

میدان ورزشی

شهید سید حسن نصرالله...



کنین؟ میخواین من پیام با او ناصحبت کنم؟» امید گفت: «به نظرم! تنها راه پیروزی، مقاومته. نه حاج آقا! خودمان زمینمان را از آن زورگوها پس می‌گیریم.» آن‌ها مشت‌هایشان را بالا بردند و فریاد زدند: «پس می‌گیریم!» حاج آقا هم خندید و گفت: «روی من هم حساب کنید.» سه روز طول کشید و بچه‌ها هر بار به زمین می‌رفتند و بازی تیم زورگوها را خراب می‌کردند. یکی دوبار پدر یکی از پسرها و دوبار هم حاج آقا کنار زمین ایستادند و به تلاش آن‌ها نگاه کردند. با ادامه این کوشش‌ها، زمین تمرین محله جور شد اما دیگر زمین فقط برای تیم بچه‌های امید نبود، بلکه به «میدان ورزشی شهید سید حسن نصرالله...» تبدیل شد و از آن پس همه تیم‌های محله با نظر حاج آقا برای تمرین به آن جا می‌آمدند. تیم امید هم شد «تیم مقاومت محله.»

